

سلطانی ملاقات کرده بودند و قتی که جناب وزیر مختار دعوت بخش هایون شد جناب اشرف امجد رفیع نیز ایشان تا  
 پیشگاه سریرهایون سسرای کردند و کسرا علیحضرت اقدس ایون شایسته ای محض شمول حرم ملوکانه جناب صدر اعظم  
 درین محفل محاذی مسندهایون باذن جلوس مفتخر و سرفراز فرمودند و آنیکه جناب صدر اعظم سی زندها در خلوت  
 بلکه در پیش محضر عالی نیز با جازت جلوس مفتخر و سرفراز آید در حقیقت اعتباری بود فوق جمیع امتیازات بزرگ زیرا که حال  
 هیچیک از صدوردانایگان در ایران بوقت پنجمین فتح عظیمی این شده بود و جناب وزیر مختار با توفیق خود را مفصلاً  
 اقدس ایون عرض نمود و کسرا علیحضرت اقدس ایون شایسته ای خلد الله سلطانه نقذات ملوکانه نسبت بجناب وزیر مختار  
 فرموده از سلامت احوال علیحضرت پادشاه در بجا انگلستان جو باشدند و بعضی فرمایشهای ملوکانه نقل بر حکام امر  
 باین دوین با الفاظ در برابر و این الفاظ مخصوص ادا فرمود که دوستی پس سلاطین که ظلمت برین استیکار محفل در اگان دوستی  
 راه می باید از قدم بر وقت کار که از ان نامورین جانین است که خود درست در حقیقت احوال و اکنون جنمیر پادشاهان میکنند و  
 عرض نیز با و جنمیر پس چیزی که برای بقای دوستی دول یاد بکار است مرفقت اتمام نامورین پیدا و جمیع قطع کامی فرمود  
 جناب وزیر مختار با توفیق ختم علیحضرت پادشاه انگلستان را که در دست صاحب سفارت میان سی ملای بود که در حضور ملای  
 عرض داشت سرکار اقدس عالی هم نامه مودت علامه را ملا واسط از دست جناب وزیر مختار گرفته بجناب نظام الملک دادند و  
 عظیم با اسباب حجاب پادشاهی که حاصل بودند و همچنین از اجد جا که ان در باری با اسب سیون و ان در محفل هایون نشین

۲۲۳۶

اعلامه جانوران در باری

ذات بصره الله ذوات فرما میرزا نواب احمد میرزا جناب نظام الملک مختار در امور امیر الامیران العظام معاوله العظام معرب الامان  
 مخرج خارج اینک قاضی بی تقدره الحاقان حاجب الدوله وزیر شکر

صورت است و همچنین صاحب مضان نظام از سر قیام سرسنگ و با بیان وجود ان باه نتیجه الامیران العظام معاوله العظام معرب الامان  
 و متعربان کنونی قلیخان و لارافاسی چهل نفره است و در پیشگاه ایون در مانا لاریا که از دو طرف صف سلام حاضر شده بودند  
 جناب اشرف امجد رفیع امجد علم قریب انقضای مجلس شرفی بود و مختار از حضور ایون حرمی حاصل کرده بمنزل خود و جناب وزیر مختار هم بعد  
 از حرمی حضور ملوکانه با فاصله دیدن جناب اشرف امجد رفیع امجد علم از دست احترام و مودت عمل آمد بعد از آن مجلس جناب وزیر مختار با صفا  
 همان ادب احترامات که آده بودند بقلندک منزل سفارت خود در حاجت نمودند فرمود ای آن جناب اشرف امجد رفیع امجد بقلندک منزل  
 سفارتگاه زیار دید جناب وزیر مختار شریف برودند فرمود ای آن جناب فحمت نصاب نظام الملک با اسب محمود و نمود که  
 بچو قسبت بلاقات از پنج سفیری نمایند محض قائمه دلیل بگال دوستی و لبین درین مقام سبقت دیدن ان  
 جناب جلالت نایب وزیر مختار کردند و در دیگر جناب وزیر مختار با صاحب سفیران سفارت از جناب نظام الملک جناب  
 امور خارج بار دید نمودند بگروس اسب از اصطلح عامه ایون که در روز ورود و از اخلاف القاهره روز شرفی حضور  
 سواری جناب وزیر مختار بود از جانب سی ایوب حسرونی یک شسته شمل و آبجوری بخیره و نقره باطل زری بجناب منعی الیه

سایر ولایات

عراق از قرائیکه در روزنامه عراق نوشته اند امور اولایات احسن مرقتب انخاقان میرزا حسن خان  
حاکم عراق قرین انظام است و امالی اولایات آسوده خاطر به عا کونی وجود فایض بحد اقدس تایون شایسته  
خداوند ملک و سلطانه اشتغال دارند بجهت سرمای شیده می که در اوایل این سال در بعضی بلوکات عراق  
اتفاق افتاده بیانات و میوجات ضرر رسانده بود در عایای انجا مشرق و پریشان شده بود در مرقتب انخاقان  
مشاریه آنها را جمع آوری کرده و بخواطف اولیای دولت جاوید مدت علیا میدواری داده مشغول  
(دیگر نوشته اند که خطب هر طلعت تایون که بافتار مرقتب انخاقان میرزا حسن خان حضرت  
بود با اولایات پر تو و حصول انکند مرقتب انخاقان مشاریه با امالی و اعیان و اشراف ولایت تا در فرج  
باستقبال شتافته لوازم توقیر و احترام صفت مبارک العجل آورده زین برود و شش مغاخرت و مبادت  
خود نموده سلطان آباد مراجعت کرده در دیوانخانه دولتی فرمان مهر لجان تایون را که مبنی بر التفات خاطر  
ملوکانه در حق مرقتب انخاقان مشاریه و امالی اولایات بود در آن مجلس قرانت و ادای خطبه بنام سرکار اقدس  
و اختتام بدعای تقای دولت و از دیار شوکت روز افزون شده اهل مجلس اظهار شکر گذاری کرده صرفت  
و شیرینی نمودند) (دیگر نوشته اند فوج بهادران که از مغربین مراجعت کرده بودند وارد سلطان آباد  
مرقتب انخاقان میرزا حسن خان در کنار رنج خارج دروازه آنها را متزل داده و آحاد و افراد آنها را احوال بر  
نموده برنج و روغن و نان و گوشت داده در روز ضعیف خوب نمود بعد از دو روز که از رنج راه آسوده  
روانه در بار معدلت در تایون گردیدند کرمان از قرائیکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیر الامیران  
سپه دار حاکم کرمان در نظم امور ولایت و حصول موجبات آسودگی عیبت و انجام خدمات دیوانی مرقتب انخاقان  
و رسیدگی کامل در امور عایا و برایا آسوده خاطر مشغول عیبتی و کار و کسب خود و دعا کونی و آب اقدس تایون  
شایسته مرقتب انخاقان میرزا محمد مستوفی و پیشکار کرمان همه روزه در دفتر خانه اولایات با مستوفیان  
رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی میباشد و کمال اهتمام را در انجام خدمات و فرمایشات دیوانی بعمل می  
سایر کار گزاران و مباشرین هر یک با انجام خدمات محوله بحد مشغول و از احدی خلاص حسابی نمائی و صلا  
هی شود امور طرق و میواریع منظم و مستحفظ و قراول همه جا مشغول حفظ و حرارت بوده توافق و مترددین  
نهایت اطمینان و آسودگی از هر طرف عبور و مرور مینمایند در این اوقات دست زواران زیارت از طرف  
مراجعت و دست دیگر زیارت ارض اقدس روانه گردیدند) (مرقتب انخاقان حنفی قلیخان میرزا و عالیچا  
محمد حسن ن سرنگ توپخانه در شهر سوال بقسود از سفر کرسیات دارند کرمان شده در بیرون دروازه ارکه توقف کرده  
امیر الامیران نظام سپه دار با اتفاق پیشکار شته سان آنها را دیده و انعام با جا و آنها داده در ششم ذی قعد حسب حکم روانه دار انخانه طهران

۲۲۳۷

قسم از قرائیکه در روزنامه قم نوشته اند امور ولایت از حسن مراقبت معرب انخافان ذوالفقارخان  
 حاکم قم رساوه در کمال انتظام است و رعایا و برابا آسوده خاطر بکار و کسب و خیشی خود و دعا کوئی ذات  
 اندسین یون شایسته ای خلد العده که سلطانه استخال دارند و معرب انخافان مشارالیه همه وقت در سرد  
 نشسته مشغول انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و رسیدگی بعضی و داد عینت مشا و بکارهای بیانی  
 دیوان اعلی و تعمیرات سرکار فیض آثار و اتمام و انجام آن امور است و اتمام تمام دارد (دیگر نوشته اند  
 در این اوقات حبس کثیری از امانی نجف آباد و سایر بلوکات تصفیان زیارت حضرت معصومه علیها و علیها  
 الاف الشناه و التجه آمده بودند در روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال بعد از ظهر در بالای کسب مطهره دو مرتبه  
 نوز باران شد بطوریکه جمیع زائرین علی رؤس الامتداد مشاهده نمودند یک مرتبه که نوز زد و سترگی  
 میباشد و بیضه مرغ از قبه منوره بقدر و ذرع بلند روشن شده پس از آن ضبط کرد و بر روی کسب مطهره  
 شام شد که آثارش بعد پانزده دقیقه منجی بود و همچنین بعد از ساعتی دیگر پنج لجه نوز مجدداً که برگشتن  
 بیست و ایش از کسب مطهره بند شده شام کردید و در همان شب ضعیف نجف آبادی که چشمش نابینا شده و اید  
 جانی را نمیدید شب در حمام مطهره مانده دست تو سل بیل نقض سرکار فیض آثار زنده با عجز و اسحاق تمام استعدیا  
 عینانی کرده بود مقارن صبح خواب او را در بر بوده حضرت معصومه با حضور امام اقلین حضرت علی ابن موسی الرضا  
 علیهما الاف التجه و استلام دستی بچشم ضعیف کشیده او را شفا عجت فرمودند پس از طلوع صبح زواره و حرمه  
 ریخته لباس او را جبه بزرگ بردند در آن روز نقاره خانه شادمانه در استامه مطهره زدند و همچنین دو  
 بعد از او نیز یک نفر در نجف آباد ویرا که جمیع اعضای او فاج شده و قادر بر حرکت نبود شفا عطا فرمودند بطوریکه  
 آثاری از ناخوشی در او نمانده بود آن روز هم نقاره خانه شادمانه زدند (دیگر نوشته اند که در اواسط ماه شوال  
 در بلوکات قسم نکر که بسیار شدید درستی در یکشنبه روزی در پی بارید و محصول صیفی و شتوی و سرد درختی  
 اگر از بلوکات را ضرر زیاد رساند و اغلب را با لجه تلف کرد و بعضی آنرا با که قوه و بیاض عتی و استعد مجدداً این  
 شخم زده صیفی کاری کردند و بعضی که قوه استعد با لجه شخم و شخم از دستشان بدر رفت و مالیات دیوان  
 هم کردن آنها مانده و خو هسته بود در بیانات اجتماع بقیم و در انخافان و امراض حال نمایند با شرمین نبودند  
 آنها را نگاهداری کرده و بقدر مقدور مساعدت در امور زراعت و عیشی آنها دارند (دیگر نوشته اند که طلع  
 در از خدمات معرب انخافان ذوالفقارخان در کردن و ندان بدین دیوان انجمنی بجا نمانده و در روزنامه  
 نوشته باینجا که بر تو وصول نکند معرب انخافان را الیه با اعیان و اشراف تا در شرح استقبال نموده لوازم تو غیر و خیر  
 خلعت تا یون رهن آورده در باغ مرحوم میرزا ابو الفضل رین برود پس ما با استاده صرف شربت و شربتی نمود

۲۲۳۸

### اجتار دول خارج

در اوقات بیت و پجبال قبل ازین در حواری شهر برد و فرشته صرافی لادرفات نام از اهل ثروت و سامان  
 دختری نورسیده و دلقورین نام در فاتیب حسن و جمال داشت خیلی اشخاص مضمون و کفر قاجار حسن و صباحت او  
 شده بودند و هر کسی در باب تزویج او اظهار خواهش و تمایلی خود را میکرد و درین اثنای پاریس بوس او نام  
 جوان شعی از شعرا فی انسوی با نجا آمده و او بیشتر اوسا بر عشاق مضمون و شیفته بال آن دلارام گردید و تزویج  
 از پدر دختر استدا نمود و دختر نیز زیاده بان جوان مایل گردید و طرفین هر چه بکنید و تصحیح اظهار  
 نمودند پدر آن دختر تمکین کرد و دختر را بکسی دیگر عقد نسبت دختر ازین که او شش رنجور شده سیر بر نماند و آنی که  
 با هم سر خود اصلا موصلت کرد و آن جوان شاعر نیز از غصه مریض گردید و مرض طرفین روز بروز شدت کرد  
 دختر بکالت نزع افتاد بطوری که اطفال اند شش نفس او را احاطه کرده گفتند نفس منقطع شده و منحر حرکت ندارد  
 و او را داخل اموات شماره حکم به فن او کردند و بقانون قدیم او را در صندوقی گذاشته و برده و در زیر خاک دفن کردند  
 این خبر بان جوان شاعر رسیده خزع و غرق و غلق اضطرار پیدا نموده آخر با خود قرار داد که بان حالت نقاس  
 شبانه به قبر دختر فرقه صندوق او را کشوده بخطر و بروی او بگذارد شاید تسکین قلبی از برای او حاصل بشود  
 باین راهه افتان و خیزان شبانه خود را با نجار رساند قبر را خنود و روی صندوق را کشود و رو بروی دختر  
 گذاشته قطرات اشک از دیده فرو ریخت دختر زنده بود از تقاضای معشوق و جاذبه عشق حرکتی بعد و دختر زنده  
 کرد معشوق خود را دید که او را بغل گرفته است کم کم بحال آمد حیاتی مجد یافت و آن جوان نیز رفع آتش شده دختر  
 از صندوق بیرون آورده و صندوق را با نجار دفن نموده هر دو با اتفاق از آنجا بگریه و اینک کسی مطلع شود بطرف  
 یکی دینا رفتند از آنوقت تا این ایام در سبکی دنیا با هم بعبث و کلامانی سیر میگردند این روز نام محبت بوطن خود  
 نموده اقرای آن دختر و شوهرش مطلع شده حال با دعای او بر خو هست اند (موجب تعصباتی که در روزنامه  
 سابق نوشته شده غلبه لک نام و زده مشهور در یونان که با چهل و پنج نفر نقای خود بقریه تاخت برده و غارت کرد  
 و یک نفر از غنایان و وزیر امور خارجه یونان را با یکی دیگر گرفته بکوه برده و چهار هزار تومان گرفته آنها را مارا کرده بود  
 و سببه گرفتنش را البه نامورین اقدام کرده است بود و او را بکیرند مؤخر مقدار کافی قشون با یک سیرتیب با پان  
 برفتن او و رفتن ایش از دولت یونان نامور شده شاره الیه باز در حواری با دره و بخل صالیون نام برادر زاده نامی  
 زبور را گرفته بکوه برده و مطالبش درین دفعه چه باشد نامور معلوم نشده است ولی موجب روزنامه دیگر که بعد  
 سربق زبور نیز هر قدر تلاش کرد نتوانست غلبه لک و رفتن ایش را بکیرد آخر الامر غلبه لک چهار هزار تومان  
 بجهت برادر زاده نامی سربق زبور گرفته آنها را را نمود

۲۲۳۹

تجهیزات دو انی سابقاً با پن ضابطان نخکس و فرانس خلی گفتگوشده در این اوقات از ضابطان نخکس  
 بیت و پنج نفر آدم با اسبهای خود پاریس رفته در آنجا اسب دو انی کرده و از پیش برده اند از آنجا بولایت  
 بلجیقا رفته و در آنجا هم اسب دو انی کرده اند و اسبها را پیش آمده است (نواب پرنس با پلجان عموزاده  
 اعلیحضرت امیر اطور فرانس در این اوقات با ما مورتیت مخصوصه دولت ساروینیه عزیمت نموده اند و عزیمت  
 ایشان بجهت اسیام با این دولت ساروینیه و دولت استریه معلوم شده است) (دولت ساروینیه در  
 اوقات قشونی یکبار از بیجا که تا پنجاه ساله از شکل مالی ملک خود که قدری موقوفه باقی قشون در بیجا  
 و بجهت این کیفیت از جانب وکیل حربیه دولت فروردین که تعلیم آمده به مجلس مشورت آنجا وضع شده است و  
 اصلی دولت فروردین قشون گرفتن این است که همیشه اوقات شصدهزار کس در دولت ساروینیه در  
 زیر سلاح حرب است) (جزیره قوبره را که در تحت حکومت دولت اسپانیول و ما بین شبه جنوبی و شمالی  
 یکی دنیا در کنار رتبه و ایتلی واقع است بجهت ضرورت آنجا برای جمهوری نیکی دنیا و کمی مالیات اسپانیول  
 و احتیاج دولت فروردین بخواه دولت اسپانیول در مقام مباحثه جمهوری نیکی دنیا بر آمده و از جانب جمهوری  
 یکی دنیا صد طبلان ریال بهای جزیره فروردین را متعین کرده اند) (در حوالی جزیره سنوین که در بحر سهند  
 در تحت حکومت دولت یونان است در اواسط ماه رمضان باد سیاهی وزیده و طوفانی شدت وقوع با  
 از کوه سوزنده آنجا که سابقاً مشعل شده و سنگ و غیره را سوزانده و بعد خاموش گردیده بود درین  
 طوفان سنگ که اخته و سوخته بسیار مانند کمرک بشهر فروردین حینی از شیشهای عمارات و سایر بناها  
 شکسته خراب گردید و بسیاری از کشتهها را که در میان دریا بودند شکسته و غرق نموده تاکنون اینگونه طوفان  
 شدید را در آنجا مردمان پیر و عمر بنیاط ندیده اند) (اشخاصی که در فرزندت بجهت بکاری گرفتار عسرت  
 فقر و فاقه هستند و بجهت حصول معاش سمت استرالیای محال ساره رقتشان از عدم بصاعت معدوم نیست  
 در این اوقات از جانب دولت فرانک یک قومون مخصوص حسب الامر اعلیحضرت امیر اطور ترتیب یافته است  
 که تبیری در باب مصارف سفر آنها نمایند) (مقطوع غلانی که در دولت اسپانیول ظهور کرده بود در این اوقات  
 شسته کرده حتی در شهر غرانده مالی ملک گرفتار الم حوجه کرده سبب این محظی را بقایم مقام مالیات فروردین  
 داده خلی آدم بجهت تلف کردن راه بیاب حکومت مجتمع شده فی الحال از جانب حکومت قشون جنگ آنها  
 بیرون آمده بنای زاده و حوز در آنجا هستند و از طرفین جنبی آدم کشته و زخم دار گردید و این جنگ بگرد  
 امتداد داشت بالاخره عساکر دولت غالب آمده رفع شورش آن اشخاص را نموده و غلات را

آرام دادند

۲۲۴۰

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور ماه مطابق بیست و یکم آبان سال ۱۳۰۴

نمره سیصد و چهل

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر خط روزانه



## اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی هالیون

در روز شنبه گذشته که روز عید سعید اضحی و از اعیاد معظمه مطبوعه ای سلام بود اعلیحضرت قدس شاهنشاهی در عمارت سلطانی بیاداران باسلام عام دادند امنای دولت علیه و نیز در کان عظام و خواجین و سران و جمعی از اعیان و مقربان حضرت گردیدند بظن سینه از ارباب مسلم و بر خدمت و چشم شرفیاب حضور باهر النور سلطانی شده هر یک در مرتبه مقام خود ایستادند و اجرای شکر تقابون اعیان بزرگان این دولت علیه بعمل آمد و ادای خطبه بنام حضرت اقدس هالیون و احتشام عالی و از با دولت و شوکت بقدرت شده سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی جناب شرف مجد ارفع صدر اعظمه افخم را نیز نشانی عطف و تامل و محبت و احسان بعد از ظهور مراسم خاطر اقدس هالیون و ادای شکر جناب مطبوعه ای سلام عید سعید اضحی منقضی گردید (بقانونی که شتر قربانی در دولت علیه در روز عید سعید اعلی داعیان و کسب و صنایف بالوازم سبب شتر قربانی را بقربانگاه حاضر کرده بعد از ادای خطبه و دعای سلامتی وجود فایض اسجد اقدس هالیون شاهنشاهی مقرب انجانان جهانسور قاجار شتر قربانی را سخر کرده هر صنفی از اصناف دارالخلافه مساکین و اعضای شتر قربانی را که مخصوص آن صنف بود برگرفته از قربانگاه معاودت کردند) (نواب نیراده خسرو میرزا درین اوقات شرفیاب حضور در طهران که در کمال تفقدات از جانب شاهی اجابت هالیون در حق نواب علی بن ابی طالب عطا شد و در دستجات و غرض قبول و باج یافته در باب اعزاز و احترام و لوازم سبب آنکه حکم هالیون در صدی وقت که در انجانان

۲۲۴۱

سابقاً اعلام دولتی صریح شده بود که امالی فاغنه از متوقفین دارالخلافه طهران و مشهد مقدس و سایر  
 خاک دولت علیّه ما باختیار خودشان مستند دولت علیّه اهدی از آنها بمجبور توقف درین  
 نموده اند و مجبوراً و مجبوساً اصدی را نگاه نخواهند داشت و احکامی هم که در این باب لازم بود  
 کارگذاران دارالخلافه و چه بجهت کارگذاران حیران و غیره موقوفه صادر شد و البته تا امروز هیچکس از  
 رویچیک از بلاد ایران بطرحس و اجبار و نه بعنوان کردی توقف ندارند و جمیعاً مطلق العنان و مختص  
 مستند مع ذلک در ضمن این روزنامه اعلام صریح عمومی میشود که هر کس از امالی افغان با فرض تا حال در  
 این دولت علیّه مانده باشد خود را مختار و مستم بدانند اصدی از حکام و کارگذاران مستحقین طریق و شوارع  
 سدره و ممالعت از آنها نخواهد کرد هر کدام که بوطن خود یا هر جا که خواسته باشند بروند و کمال  
 و آسودگی روانه شوند از جانب دیوانیان ابداناً نفعی نخواهند دید و هر کدام از آنها که میسختن  
 خواسته باشند درین ملک بمانند و یا نوکری دیوان نمایند باز با اختیار خودشان خواهند بود و با  
 و اصلاً حالت اجبار و اگر ای نسبت با فاغنه نمی باشد در رفتن و ماندن اختیار تام و تمام دارند  
 (عالیجاه مقرب انخافان محمد ابراهیم خان سرینپا فوج ثلثه اصفهانی که بحسن صدقت و کفایت  
 در خدمتگذاری معروف و کمال مقربان و انجام امور محوّه بخود ظاهر خدمات بقعه و ایتمات او در نظم افواج  
 ابواب جمعیه خود در امور بیت کریمت مشهور و ملحوظ خاطر اقدس سنا یون شاهنشاهی و امنای دولت علیّه گردید  
 مستوجب ظهور طعنی تازه و حمی مجد آمده بلقب صیل سهام الملک طغی و کثوب چه ترم کشمیری در حق  
 مشارالیه حلف مرمت گردید) (مقرب انخافان بضراته خان سرینپا فوج کلپایکانی نیز این اوقات کار  
 فیروزی نسبتاً به حاضر و مشمول التفات و عنایت خاطر اقدس سنا یون و اولیای دولت قوی شوکت  
 آمده سخلعت سنا یون شاهنشاهی منحل و سرافراز گردید) (فوج حاضر که احضار رکاب سنا یون شده  
 بودند در روز یکشنبه یازدهم شهر ذیحجه محرم عالیجاهان لشکریان عظام سان حاضری آنها را بدقت  
 دیده در کمال شکوه و آسستگی مأمورستان گردیدند و یکطاقه سال ترم از جانب سنی ابوجیب  
 اقدس سنا یون برسم خلعت عالیجاه کاظم خان سرینک فوج مرور التفات گردید) (در شب  
 که شب عید صبحی بود و اسباب جشن دسرور در حضور موفور السور سنا یون خیده بودند عالیجاه سزیران  
 سرشته دارقوزخانه مبارک که حساب لامر اسباب جشن باری از قورخانه بحضور اقدس سنا یون آورده  
 خدمت او مقبول و محسن افتاده یکثوب چه ترم عالیجاه مشارالیه خلعت مرمت کرده و دارالخلافه  
 طهران کمال اینست و انتظام و در دارالخلافه الباهره حاصل است و هیچچه خلاف قاعده از اصدی نا

۲۲۴۲

و صادر نمی شود بواسطه رفتن کوچ و عیال سپاهی و عیبت عیلات قات شمیران خانجانی که داشتند کزنی  
 سب و معتدل کرده بدون سرایدار و اکتفا شده بودند حسب حکم نواب شایسته هزاره و الا بتا محمد تقی میرزا حکمران  
 دارالخلافه طهران بجایمان کلا تر که خدا بان دارالخلافه قدغن اکتفا شد که در محافظت و محاربت محلات  
 خانها زیاد تر از سابق اتهام داشته باشند و هر روزه درین باب تاکیدات اکتفا میشود (در باب  
 چهل فوت مرحوم مغفور و والد شاه غلامگاه نورالدین مصعب در کتب حال حصار محله سنگ جمیع اغزه و اول  
 و اشرف دعوت شده قوه و عیان و شام بقاعده صرف نموده بعد از آن شام فاشه خوانده بر کسب خانه  
 مراجعت کردند) (در پنجم این ماه مرحوم حسرو خان والی که از اکابر و نوکر بزرگان این دولت جاوید است  
 قاهره بود بر حمت ایزدی پیوسته بر حسب امر اولی دولت ابد مدت در میخی سلطان بی مجلس ختم که داشته  
 و بقانون سفته داده شده شاهزادگان عظام و علما و سادات دولتی الاحترام و اجتهاد باکران در میان  
 با یون مجلس فاشه حاضر شد جناب اشرف امجدار فق صدر اعظم محترم هم با اعظم نوکرهای دولتی بر سر  
 خوانی بشهرت شرف آورده مجلس منور آمدند و بعد از دور و در مجلس فاشه را بر چندین (سه چهار نفر و زک درین  
 اوقات مصدر سرقت شده بودند و سبک کرده حسب الامر نواب شایسته هزاره و الا بتا محمد تقی میرزا  
 حکمران دارالخلافه قیسه و سیاستند سایر ولایات) **خراسان** از قرار که در  
 روزنامه خراسان نوشته کمال انتظام و وفور نعمت در آن ولایت حاصل است و رعایا بدو کردن و برداشتن  
 محصول غله و غیره مشغول اند مقرب الخاقان قوام الدوله پیشکار خراسان حکام و مباحثین خراسان را با  
 آند سس بجهت پرداختن حسابشان خویشته و باستوفیان آن ولایت مشغول محاسبه داد و ستد  
 هستند محاسبه هر کدام که تمام شد مفاصدا و کتبی دستور العمل با داده و الترام از او گرفته میشود که اگر زیاد  
 از مالیات معمولی چیزی از عیب بگیرد هر چه گرفته باشد از او مسترد و بر عیبت عاید شود و علاوه بر آن  
 سواخذ و ترجان نیز باشد رعایا و مالی ولایت این رگد کمال شکر گذاری و دعا کونی را دارند و  
 خاطر با عیبتی خود مشغولند) (دیگر نوشته اند از قرار که مذکور بوده است ترکمانان حسس نشین که خدا با  
 مرتب هرزگی و ناختم و ناختم خراسان گردیده بودند این اوقات چون میدانند که عا که منصوبه  
 پادشاهی قیسه و نادیب آنها خوانند رفت احمال و افعال خود را آنچه با سسکین داشته اند  
 ریک کشیده و خود نیز مرصدا که اگر قشون دولت علیه با نظر رفت برود خود را بدست ریک میکنند  
 سسج ذی قعدة بحرام نواب محمد تقی میرزا از بهرات وارد ارض اقدس گردیده اند و از قرار تقریر ایشان  
 نواب مستطاب م سلطه والی خراسان توپخانه و قورخانه را از بهرات حرکت داده منسظر حکم مجدد از اولی دولت علیه

۲۲۴۳



قرین از قراریکه در روزنامه قدیم نوشته اند امور ولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاجار  
و مراقبت نواب مستطاب هزاره و آبا عبد القادر میرزا حکمران قرین و کفایت معرتب انخافان حاجی حسنعلخان  
پیشکاران ولایت قرین استقامت است امور شهر و مملکت منضبط و کسی قدرت حرکت خلاف و تعدی نسبت  
به یکی ندارد و همچنین امور طرق و شوارع منظم و مستحفظ و قرا سوران در راههای آنجا مشغول حفظ  
و حراست اند و سردارین با اطمینان خاطر از منازل عبور و مرور نمایند نواب هزاره هر روز از  
فراغت از درس در عمارت کلاه فرنگی نشسته بعضی دواد مردم رسیدگی می نمایند و بصلاح و صواب  
معرتب انخافان پیشکار امورات را مفصل میدهند در این اوقات که موسم رفع محصول است چون در  
بعضی ربات خالصه در امورات رعیتی و قرار بازوید و بر پیشترن زمین لازم بود که آدمی این اراضی  
ولایت رفته بازوید و سرکشی با مورد ربات نموده امور غرایب آنجا منظم بدارد لهذا معرتب انخافان  
پیشکار عالیجاه میرزا اسمعیل خان را با اتفاق عالیجاه حاجی احمد آقا برادر خود فرستاده رفتند و در  
خالصه را بازوید کردند و امور آنجا منظم کرده (مراحت نمودند) (دیگر نوشته اند که درین چند روز  
با دگر می در قرین و زبیده بجای انکور و فالیر خاست رساند که شته از ان حاصل انکور از اول غرض  
شدن در اکثر دشت سیاه میشود که با خاکستری باغباری روی انکور گرفته متعقن میگردد و این قسم  
حال دو سال است که در انکور ولایت بهم رسیده است و پیش ازین نبود و صاحبان باغات  
که سبب این علت در انکور از چه چیز است و بچه چیز رفع میتوان کرد بجاصل کندم و چونیز اگر چه  
سبب زنگ و با دگر م فی اجمله ضرر رسیده است ولی نرخ غله روز بروز در تنزل است و کمال دوزخ  
دارد و چنانچه کندم خوداری با نرده هزاره و جو خوداری هفت هزار است ولی صیغی کاری در هر جا  
بجیل آمده است **نما** و ند از قراریکه در روزنامه بناوند نوشته اند امور ولایت از انجا که  
محمد رحیم خان نقی باشی قرین استقامت است سواره نخل که مأمور کرمان بودند و حسب الامر اولیای دولت  
از آنجا حضرت معاودت حاصل کرده درین روزها و اردنها و ند شده اند معرتب انخافان مشارالیه  
سان سواره مزبور را در کمال خوبی و انتظام دیده هر یک را از صاحب منصب و باین فراخو احوال  
خلعت و انعام داده باماکن و اوطان خودشان روانه نمود و سواره مزبور که سبب بقاء با بودند حال  
از انجا که معرتب انخافان مشارالیه در کمال استقامت و انتظام میباشد و کمال سعی در کار سواره  
مزبور دارد که ازین هم آراسته تر و بهتر باشند و هم چنین در نظم امور ولایت و رسیدگی بعضی  
عبت و انجام عدت و جوانی بنایر محبت را بعل می آورد

۲۲۴۲

### اجبار و دل خارج

در دولت مجتهد معابد و کلیساها و سایر عمارات مخصوصاً خرنی دارد و این اوقات از جانب دولت آزاد  
 شده است که وجوهی بجهت مصارف آنها برآمده نمایند کیفیت مجلس مشورت بیان شده و جنسی اشخاص از اجزای  
 مجلس اظهار موافقت کردند و اکثریت آراء در خصوص زبید این وجوه ظاهر شد بعضی اشخاص که قبول این معنی کردند  
 بکنشک در آمدند از میان آنها موسیوفه نام شخصی خطاباً با سایر وکیل مجلس فرمود بجهت حاصل این مصارف فقراتی  
 بر سبیل استهزا و تحقیر بیان نموده چون در مجالس فرنگستان عادتاً مرسوم است که جمیع میثاق و در تصدیق و  
 هر فقراتی اصوات بلند می کنند استماع این فقره موسیوفه در نام آخرین و تحسین گفته صد بلند کردند سر و کمال  
 مجلس فرور ازین گذارش بدت متعبر و غضبناک شد گفته بود این کوز کفتگوی بی ارمانه بنا موسیوفه  
 خلل میرساند و در مقام طلب ترخیص و اخراج آن اشخاص که تصدیق موسیوفه در نام صد بلند کردند برآمده  
 اکثریت در طرف این اشخاص ظاهر کردید بر در سرای حکومت اجماع کرده به اجزای مجلس که بیرون آمدند بنای استهزا  
 و سخفیت که داشته رسوایی و افشاح تمام نمودند و سفیری که از جانب پاپای روم در آنجا بود و قسماً که مجلس  
 بیرون آمد اشخاص مرقوم را و اگر که بسیار پیر و مجرب بود سر با پاس تصور کرده جنسی تحقیر نموده خفت دادند و این  
 که از شش بواسطه سیم نعل اف بمجال سایر نشر و اعلان شده روز دیگر بجهت امداد و اتفاق با آن اشخاص از  
 هر یک از مالک دولت مزبور دسته دسته آدم از راه آهن با آنجا آمد از جانب دولت مقدار کافی قسماً  
 بیرون آمد و قرائل دولت مزبور بجهت ایتت دادن با عیال خود تنها خانه رفته بود موافق روزنامه دیگر که  
 بجهت از سایر مجال زیر حکومت دولت مزبور از مالک یون و خان و لیرو و انور کل ایلی آنجا در طرف چند  
 روز چند هزار کس به پرو کس که مقر حکومت اند و است جمع شدند قرائل دولت مزبور چون دید که منظور  
 پیش نیر و دفع اراده خود نموده اجزای مجلس را متفرق کرد ولی نتیجه این ماده بجا انجامیده باشد هنوز معلوم  
 (بموجب نوشته‌هایی که چند دفعه در روزنامه مطبوعه گردیده است در سبب و چهار سال قبل ازین که قرائل دولت  
 اسپانیول فوت کرد بدست یک دختر و یک برادر کسی از او مانده بود و قبل از فوت خود دخترش را و  
 کرده بعضی از اعیان دولت مزبور نیز این جمله را قبول نموده بودند چون سلطنت زن در آن ولایت موافق  
 قدیمه آنها ممنوع است برادر قرائل مشارالیه بجهت دست آوردن نام حکومت آن ولایت بعضی تشبیهات اقدام  
 ولی بجهت اثر نه بر صانده زوج قرائل متوفان منظور پیش رفت و جنسی قبل و قال کون نموده بالا خزه دختر مزبور  
 مسند قرائل شکست گردید موخر برادر قرائل متوفان بقبری بلند پای تحت دولت انگلیس عزیمت کرده و بیجا  
 مزبور شد دولت مجلس بجهت احقاق حق او قسماً با اسپانیول دستاوردند بلکه اسپانیول خود بلند آ

۲۲۴۵

و گفتگو نموده در التماس خود را ثابت کرد و دولت انگلیس تصدیق نموده عساکر خود را از اسپانیول محال و دست  
دادند و مؤخرًا اقلیت را ایما را بعضی دول فرنگستان و دولت فرانسه قبول و تصدیق نمودند و بی  
دولت روس بمقتضای نظامات قدیمه خود تصدیق این عهد را نموده پرستش نمود و سفیر خود را از دولت اسپانیول  
برداشت بعد از وقوع مصاحبه دول دولت روس نیز اقلیت مشایرا را در دولت اسپانیول تصدیق کرده  
و پرستش نمود موقوف بود در ضمن تبریک جلوس خود سفیری بجانب اسپانیول فرستاد و بالمقابل از جانب دولت  
اسپانیول نیز در ضمن تبریک جلوس سفیری بدولت روس ارسال شده و موقتاً در صورت اقامت در آن  
اوقات باز از جانب دولت روس قوسن فاپچین نام سفیری مبدی و پای تخت اسپانیول مأمور و روان  
گردید (است) (در روزنامه سابق نوشته شده بود که در حوالی جزایر که در تصرف دولت فرانسه است  
از آنوقت که جزایر مریور را تصرف کرده اند عشا بر فایده اکنون به ایره اطاعت فرانسه نیامده اند علیحضرت  
امیراطور فرانسه بیت و پنجاه قشون بجهت حرب آنها مستحق کرده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده  
عساکر مرقومه در مقام ماه مالیس فرنگی بمحل تیری اوزی نام رسیده و هفت روز در آنجا اقامت کرده اند  
و از آنجا سحر بر مریور بمحل بنور اتان نام غزمت کرده و از آنجا تلافی فریقین اتفاق افتاده تا یک هفته جنگ  
تایم بوده اگر چه از اردوی فرانسه خیلی آدم کشته در خمدار شده اند ولی آخر عشا بر مریور مغلوب گردید و بدولت  
فرانسه در حالت نموده اند و از جانب دولت فرانسه بمقدار هزار فرانس با آنها توزیع شده و جنایات گذشته  
آنها عفو گردیده و از هر طایفه از عشا بر مرقومه چند نفر از جبرین بدولت فرانسه آمده اند و از جانب دولت  
فرانسه قلعجاتی در آنجا قرار گذاشته اند ساخته شود و پنجاه مصارف آنها در میان قبایل مریور توزیع  
شده و یک راه آهن نیز از دولت فرانسه قرار شده است در آنجا با زند بعضی از قبایل مریور نیز بزرگوار  
در نیامده اند) (سابقاً من نواب غراندوق قسطنطین برادر علیحضرت امیراطور روس بجزیره ویط و طاقا  
او با علیحضرت ملکه انگلیس و معاودتشان از آنجا نوشته شده بود بموجب جاری که در این اوقات رسیده  
نواب مغزی الیه بعد از معاودت از جزیره ویط بشهر طه نام فرانسه رفته و مؤخرًا از آنجا بشهر انور که در  
حکومت دولت بلجیاست غزمت نموده اند) (مستشار وکیل عربیه دولت دینارک بادو تقریباً  
و بعضی از ضابطان عسکریه از مرسومات قشون جنبی و جومات حیف و میل کرده بودند مراتب معلوم  
دولت گردیده همه آنها را گرفته حبس نموده اند) (انالی چین تجارت و اختلاطشان با ایل فرنگستان  
رای دولت چین است در این اوقات چهار نفر از ایل چین بعضی سباسب نفریکها فرود آمدند و در ایل چین  
ان چهار نفر را گرفته کشته اند

۲۲۴۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۲۷۲ مطابق ۱۲۷۲ میل

منطقه دارالخلافه طهران

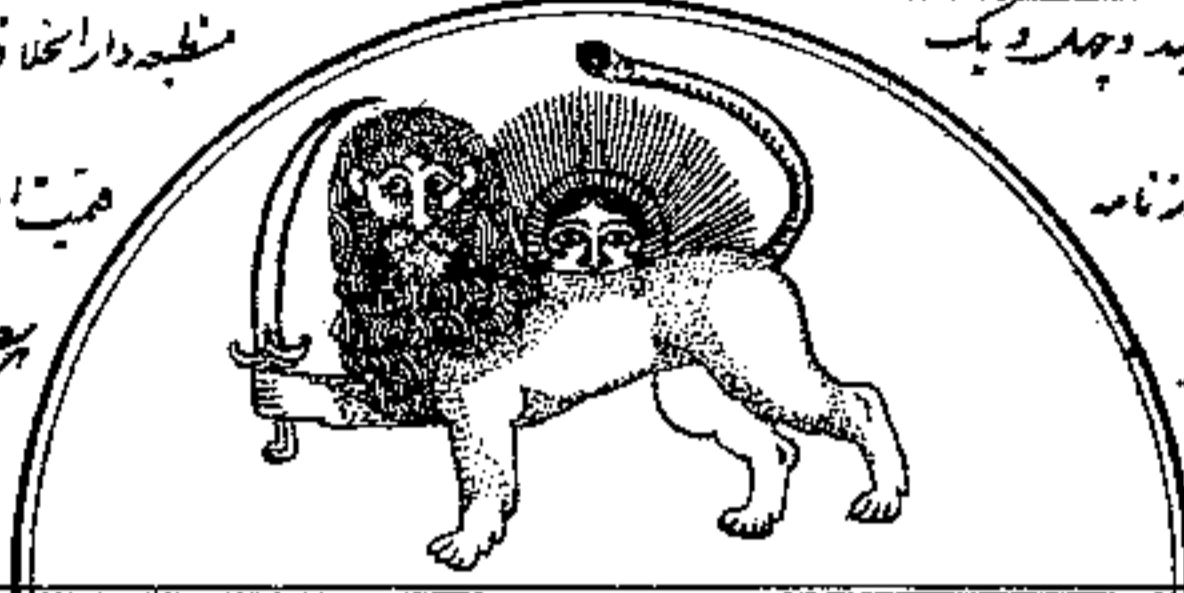
مزه مسجد چهار و یک

همیت اعلانات

قیمت روزنامه

بهر روز شایر

بهر نسخه شایر



اخبار جنگه ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هاپون

در روز یکشنبه هجدهم که روز عید فخر و از اجاید عظیمه قتی بود که حضرت آقا سید علی شاه صاحب شکرته اقدس شاهنشاهی صیبت شوکت  
 عن الشاهی در عمارت سلطانی بناوران باسلام عام داده از انسانی دولت علیه و بهر اسکان عظام خونین و سران و صاحبان  
 نظام و متفرقان حضرت کردون بسطتینه که در اردوی هاپون و در سائر نقاط شمران و در دارالخلافه بودند  
 اولاد عمارت بناوران جناب جلالت الشرف امجد ارفع صدر عظیم جمع گشته هر یک از خدمت باجودت  
 شدند هم عید مبارکی را بجز آورده صرف شیرینی و شربت در آن مجلس گردید و از جانب سنی ایوان سرکار  
 قوی شوکت اقدس شاهنشاهی عالی بقراریکه در هر یک از تمامی اجاید سال معمول است کتیبه تزیینت خاصه تمام شرف  
 از عبوسین مبارک جناب معظم الیه اللغات شده و بهان مجلس آوردند جناب اشرف ارفع غنیم صدر  
 و اکرام صلوات هاپون را از پیشواز و غیره بجز آورده بنیب برودش خود نموده تمام حضور مبارکها و گفتند بعد از  
 نماز سلام حضور اقدس شاهنشاهی اجبار شد و هر یک از صفوف چاکران حضرت در مرتبه و مقام خود صفی  
 منعقد ساختند و جناب اشرف امجد ارفع در مقام قرب خود قرار گرفته و سرکار اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی  
 صیبت شوکت عن التناهی شریف فرمای تا لار قصر پادشاهی شده براریکه سلطنت فرزندت اقروند بعد از  
 جناب پشاهی را بجناب خسروانی محض و الهی سلام را بر یک عید فرمودند و جناب معظم الیه مرهم شکرگذار  
 و شاجوئی را بقدیم رسانیدند و سایر فرزانیشاهی ملوکانه که دلیل کمال رحمت نسبت بجدتکذاران دولت  
 و باعث مزید امید و اری چاکران حضرت بود بلفظ در بار جاری فرمودند و جناب صدارت پشاهی جوابها  
 شایسته بعضی پیشگاه هاپون رسانیدند و خطبه غزالیام نامی هاپون خوانده شد و عالیجا میرزا محمد علیخان شکر  
 نصیده که در تهنیت عید برشته تقم گشیده بود و معروض پیشگاه هاپون و آستانه سورجین گردید سلام عام منقضی شد

۲۲۴۷

رای جهان از ای اقدس هایدون سرکار علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطان جهان  
اقتضا فرموده که نورجده عظمت و شهرت و تاجداری و تاج شرف والا امیر کبیر  
امیر نظام دام اقباله العالی را که در زمره شاهزادگان عظام بر حسب رتبه و شرف و من جمیع اجازت  
اراسته تر و شایسته تر از همه مستند بولایت عهده سلطنت و در اشته تاج و تخت خلافت نصب و تعیین فرماید  
و برای تقدیم این مبارک مهم عظم و عمل آوردن چنین مجسمه منظور واجب الزم چنان اراده ملوکانه فرمود  
که چون ولادت با سعادت هایدون علیحضرت شاهنشاهی در ماه صفر اتفاق افتاده و آن ماه را با این واسطه  
بسال میمون و مبارک گرفته اند ساعت سعدی در قرب عید مولد مبارک خواهد قبل از عید نور و یا بعد از آن  
باشد تعیین شود و اجرای این مهم جلیل در آن ایام شده باشد لهذا برای چشم روشنی عموم انانی ملت و مملکت  
با عظام این خبر مجسمه اثر در ضمن این روزنامه پر درخته میشود و همچنین تمامی حکام سعادت فرجام ممالک محروسه  
یا و شاهای اعلان میشود که اطلاع ازین مقصود عاقبت محسود بهم رساننده میبایست عیش و شادمانی باشند  
و نیز از انکار برد اعظام حکام ممالک خاصه فطسین خانواده سلطنت عظمی بر کدام را که فرصت و امکان حضور  
در در انخلاقه الباهره بوده باشد بعرضه از حضور با هر التوجه هایدون اقدس علی استعدا و درخواست اجازت  
که برای جشن سعودی پای تحت خلافت احضار شوند و هر کدام را که این فرصت و مقدرت نبوده باشد خود اکتفا  
و مستحضر شده منتظر خبر ثانی برای تعیین روز نصب و یعودی باشد که در آن روز مخصوص مشغول اجرای رسوم جشن  
شادمانی در محل حکومت خود باشند (اعلامان قمرین کباب مبارک بفرار یک معمول است سالی یکده  
داده از حضور هر طور اقدس هایدون میگذرند در این اوقات نیز حاضران گردیده با کمال آراستگی  
انتظام منظم و سنج با اسبان ذریه و اسبای بسیاران داده از نظر مهر اثر سرکار اقدس علیحضرت شاهنشاهی  
ایده همیشه گذشته سگوه و نظم و آراستگی آنها مطبوع و سخن خاطر ملوکانه مورد تحسین گردیده و مقرب  
نتیجه الوزراء العظام میرزا داود خان وزیر لشکر که از عهد سلان علماان مذکور عرض می آید در حضور هر طور  
بر آمد یکتوب جبهه لاک کشمیری هاشیه دار از جانب سنی انجوان طایون خلعت مرحمت گردید و همچنین عالیجاه  
نتیجه الامراء العظام محمد مهدی خان پسر و نایب مقرب انخاقان امیر الامراء العظام کشیکچی باشی و عالیجاه مقرب  
مرغی خان قوللراقاسی در انتظام و آراستگی علماان اتمام نموده بودند مورد التفات و توارش ملوکانه گردید  
یکتوب کلچو ترمه با عالیجاه محمد مهدی خان و یکتوب جبهه ترمه مقرب انخاقان قوللراقاسی خلعت مرحمت فرمود  
(چون عالیجاه میرزا حسن برادر عالیجاه میرزا حسین سرشته دار و فرزانه مبارک که از حسن خدمات خود  
در انتظام امور جبهه خان مبارک و خوب ساختن تفنگ جدید و پاکیزه مرمت نمودن تفنگ افواج قاهره خاطر

۲۲۴۸